

فراتر از خبر

چرا ایران و نیابتی‌هایش عربستان سعودی را تحت فشار قرار می‌دهند؟

راديو فردا

کمتر از یک دقیقه پیش



خودروهای منهدم‌شده نیروهای دولتی یمن در جریان حملات برق‌آسای حوثی‌ها

پیشروی زمینی برق‌آسای شبه‌نظامیان حوثی به سمت تنگه باب‌المندب، جهان را نسبت به اختلال در تردد کشتی‌ها در یک مسیر حیاتی دیگر، نگران کرده است. با این حال، به گفته تحلیلگران و ناظران، عربستان سعودی بیش از هر کشور دیگری در موقعیت دشوار قرار گرفته و از شرایط کنونی آسیب می‌بیند.

پیشروی حوثی‌ها در چه بستری شکل گرفت؟ چرا ایران و نیابتی‌هایش عربستان سعودی را تحت فشار قرار می‌دهند؟ و سرانجام چه گزینه‌های پیشروی ریاض قرار دارد؟

شرایط دشوار برای ریاض

ایران همچنان با حمله به کشتی‌ها در تنگه هرمز، عبور و مرور از این آبراهه حیاتی را مختل کرده و حملات پهنادی اخیر که به شبه‌نظامیان عراقی نسبت داده شده، یک خط لوله مهم را در عربستان سعودی به

تعطیلی کشانده است. در شرایط کنونی، پیشروی حوثی‌ها در بندر «المخا» و همچنین جزیره «پریم» در بطن تنگه باب‌المندب شرایط را بیش از گذشته برای ریاض دشوار کرده است.

در روزهای اخیر، رسانه آمریکایی اکسیوس گزارش داده بود که واشینگتن به درخواست ریاض برای مداخله نظامی مستقیم علیه حوثی‌ها جواب منفی داده است.

همچنین در این میان، عدم مداخله قدرت‌های اروپایی نیز وضعیت را برای عربستان سعودی دشوارتر کرده است. پیشتر بریتانیا همراه با آمریکا حملاتی را علیه حوثی‌ها انجام داده بود.

فرانسه که یکی از مهم‌ترین نیروهای دریایی اقیانوس‌پیمای اتحادیه اروپا را در اختیار دارد و زمانی در کانال سوئز حضور داشت، فعلاً ترجیح داده که مداخله‌ای انجام ندهد. این در حالی است که فرانسه در آن سوی تنگه باب‌المندب یعنی در کشور ساحلی جیبوتی پایگاه نظامی دارد.

بیشتر در این باره:

چه گروه‌ها و کشورهایی درگیر جنگ در یمن هستند؟



پیشروی حوثی‌ها نتیجه ضعف تدریجی عربستان سعودی؟

شبکه الجزیره در گزارشی درباره وضعیت کنونی یمن خبر داد که حوثی‌ها اکنون کنترل تمام نوار ساحلی یمن در دریای سرخ را در اختیار دارند. برخی کارشناسان بین‌المللی معتقدند که چنین موفقیتی برای حوثی‌ها بیش از هر چیز حاصل ضعف در اردوگاه نیروهای ضدحوثی در داخل خود یمن به ویژه نیروهای وفادار به عربستان سعودی است.

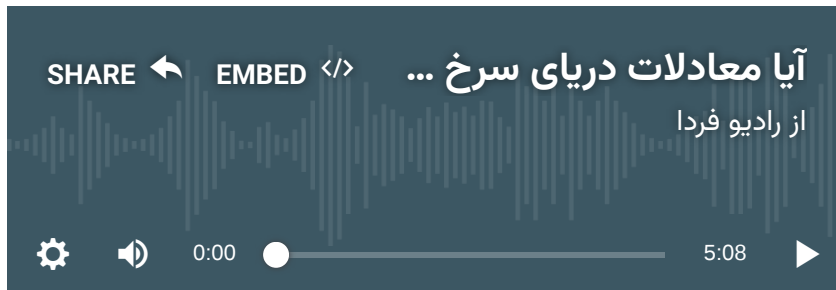
آندریاس کریگ، استادیار مطالعات امنیتی در کینگز کالج لندن و عضو انستیتوی مطالعات خاورمیانه این دانشگاه در گفت‌وگویی با الجزیره، آنچه امروز از اردوگاه ضدحوثی باقی مانده را جبهه‌ای «به‌شدت چندپاره» توصیف کرد که در آن، «حامیان مختلف، با پول وفاداری‌ها را خریداری کرده‌اند».

آقای کریگ گفت که شبه‌نظامیان جنوب یمن اساساً بر سر حوزه‌های اجتماعی و سیاسی داخلی در این منطقه با یکدیگر اختلاف دارند، بدون این‌که بر حوثی‌ها در شمال تمرکز داشته باشند.

او افزود که به‌طور مشخص، آنچه ابوظبی طی چند سال گذشته، با ایجاد شبکه‌های خود در جنوب یمن انجام داده موجب تضعیف عربستان سعودی شده و در مقابل، جبهه حوثی‌ها «بسیار سریع، منسجم و دارای هدفی کاملاً روشن» توانسته از ضعف و آسیب‌پذیری نیروهای مخالف خود بهره‌برداری کند.

همچنین حبیب حسینی‌فرد، تحلیلگر مسائل بین‌المللی ساکن آلمان، به رادیو فردا می‌گوید: «رویاریبی ایران و نیروهای وابسته به آن با عربستان در یمن و بر سر توازن قوای منطقه‌ای است. ایران و حوثی‌ها پیش از جنگ اخیر ایران و آمریکا نیز درگیر مسئله یمن بودند و در جریان جنگ یمن، پیوند میان حوثی‌ها و ایران بیش از پیش تقویت شد. حوثی‌ها در پی تثبیت و گسترش قدرت خود در یمن هستند و ایران نیز با اتکا به آن‌ها می‌کوشد نفوذ و قدرت منطقه‌ای خود را در برابر رقبا افزایش دهد».

آقای حسینی‌فرد می‌افزاید: «در این چارچوب، نه‌تنها اهداف اولیه عربستان در یمن تأمین نشده، بلکه حوثی‌ها اکنون در موقعیتی قرار گرفته‌اند که می‌توانند تسلط خود بر باب‌المندب را بیش از پیش گسترش دهند. در عرصه داخلی یمن نیز توازن قوا به زیان عربستان و به نفع ایران تغییر کرده است».



↓ [لینک مستقیم](#) ✓

↗ [بازکردن در پنجره جدید](#)

چرا انگشت اتهام به سمت ایران نشانه رفته است؟

پس از حمله اخیر به خط لوله نفت عربستان و پیشروی حوثی‌ها در یمن، انگشت‌های اتهام متوجه ایران شده است؛ هر چند که مقامات جمهوری اسلامی مدعی‌اند که نقش مستقیمی در تحولات اخیر یمن نداشته‌اند.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا، روز ۲۱ شهریور در جریان سفرش به ایرلند، ایران را مسئول احتمالی حمله‌ای دانست که به تعطیلی خط لوله راهبردی شرق به غرب عربستان سعودی انجامید.

همچنین مارکو روبریو وزیر خارجه آمریکا هم با اشاره به نقش نیابتی حوثی‌ها در قبال جمهوری اسلامی، گفت معتقد است که «دست ایران پشت بسیاری از حملات حوثی‌ها به عربستان سعودی مخفی است».

اما اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه ایران، پس از پیشروی‌های اخیر حوثی‌ها در گفت‌وگویی با تلویزیون جمهوری اسلامی ایران گفت که این پیشروی‌ها ربطی به تهران نداشته است.

فریا مسلمی، پژوهشگر مؤسسه مطالعاتی چتم‌هاوس، در گفت‌وگو با خبرگزاری فرانسه ادعای جمهوری اسلامی مبنی بر نقش نداشتن در تحولات اخیر یمن را زیر سوال برد و گفت: «این‌که تصور کنیم این اتفاق بدون هماهنگی با ایرانی‌ها رخ داده، کاملاً ساده‌لوحانه خواهد بود».

او با وجود تاکید بر این‌که «حوثی‌ها در هر صورت، چه با ایران و چه بدون ایران، این کار را انجام می‌دادند»، افزود: «با این حال، توانمندی‌های دریایی آن‌ها و تفکر راهبردی‌شان درباره دریا، قطعاً تحت تأثیر ایران شکل گرفته، از سوی ایران تجهیز و آموزش داده شده و با ایران هماهنگ شده است».

ناظران بین‌المللی معتقدند که در حال حاضر، تحولات یمن برای ایران، اهرم فشاری ایجاد می‌کند؛ نه فقط در برابر ایالات متحده و کل غرب، بلکه در برابر عربستان سعودی، رقیب منطقه‌ای خود.

اما اگر جمهوری اسلامی به هر شیوه‌ای در تحولات اخیر علیه عربستان سعودی حضور و نقش داشته باشد، این حضور با چه اهدافی است؟

حبیب حسینی‌فرد، تحلیلگر مسائل بین‌الملل، به رادیو فردا می‌گوید: «ایران می‌کوشد رویارویی خود با آمریکا را به وضعیتی بکشد که در آن اهرم‌های فشار بیشتری در اختیار داشته باشد؛ چه برای وادار کردن آمریکا به عقب‌نشینی از اقدامات کنونی و چه در مذاکرات احتمالی آینده که ممکن است به تفاهم یا توافق منجر شود. در چنین شرایطی، ایران می‌تواند با اهرم‌هایی که در اختیار دارد، در موقعیت بهتری پای میز مذاکره بنشیند».

ایران و متحدانش چرا عربستان را انتخاب کردند؟

پیش از تحولات اخیر یمن نیز آسیب‌پذیری عربستان در برابر حملات موشکی و پهپادی مشخص شده بود. تحولات اخیر نیز نشان داده‌اند که این کشور، با وجود برخورداری از امکانات گسترده هوایی و دفاعی، در مقابله با تهدیدها آسیب‌پذیر است.

حسینی‌فرد می‌گوید که در مجموع، به نظر می‌رسد ایران در دو عرصه، عربستان سعودی را هدف تهدید و حمله قرار داده است؛ اولی، تلاش برای افزایش تسلط حوثی‌ها بر باب‌المندب، تغییر توازن قوا در یمن به زیان عربستان و تقویت نفوذ منطقه‌ای ایران؛ و دیگری، هدف قرار دادن مسیرهای صادراتی نفت عربستان، به‌ویژه خط لوله شرق به غرب، برای جلوگیری از کاهش اهمیت تنگه هرمز و حفظ اهرم فشار ایران بر بازارهای جهانی و آمریکا.

بیشتر در این باره:

هشدار پاکستان به حوثی‌ها: حمله به عربستان، پیمان دفاعی مکه را فعال می‌کند



عربستان چه گزینه‌هایی دارد؟

عربستان سعودی از سال ۲۰۱۵ برای چندین سال با حوثی‌ها جنگید، اما متحدانش در میدان نبرد پیشرفت چندانی به دست نیاوردند. این درگیری حدود ۱۵۰ هزار نفر کشته برجا گذاشت و در مقاطعی یمن را تا آستانه قحطی پیش برد؛ تا این‌که در سال ۲۰۲۲ آتش‌بسی برقرار شد.

اکنون که با وجود تلاش برای جلوگیری از تنش با حوثی‌ها، این آتش‌بس از بین رفته است، عربستان سعودی حملاتی را در یمن انجام داده اما این حملات نسبتاً محتاطانه ارزیابی شده است.

فَریا مسلمی می‌گوید: «فکر می‌کنم سعودی‌ها هر کاری از دستشان برمی‌آمده برای جلوگیری از این جنگ انجام داده‌اند، اما فکر نمی‌کنم دیگر انتخابی داشته باشند. حوثی‌ها موضوع را به مرز نهایی رسانده‌اند و هر هزینه‌ای که سعودی‌ها اکنون در ذهن خود تصور می‌کنند، برایشان ارزان‌تر از هزینه‌ای است که دو سال دیگر باید بپردازند. حوثی‌ها نشان داده‌اند که در قبال آتش‌بس با سعودی‌ها قابل اعتماد نیستند».

ریاض در ۳۰ ژوئیه از تشکیل یک «ائتلاف دریایی دفاعی» متشکل از ۱۵ کشور خبر داد؛ اما روزنامه «لوموند» به نقل از یک منبع دیپلماتیک غربی، این ائتلاف را پوسته‌ای توخالی دانست که در آن نیروی دریایی سودان - که اساساً وجود ندارد - حضور دارد، اما نیروی دریایی آمریکا در آن نیست.

آقای حسینی‌فرد نیز کارایی «پیمان مکه» را که میان عربستان سعودی با پاکستان و ترکیه منعقد شد مورد تردید قرار می‌دهد: «مشخص نیست که پاکستانی‌ها و ترک‌ها اساساً بخواهند وارد اقدامات تهاجمی شوند یا بتوانند فراتر از ارائه امکانات دفاعی، لجستیکی و حمایتی، اقدام مؤثری برای عربستان انجام دهند. هر دو کشور درگیر مسائل و مشکلات دیگری در منطقه هستند و در سیاست‌های خود ناگزیرند ملاحظات مربوط به روابطشان با ایران را نیز در نظر بگیرند».

او تأکید می‌کند که «عربستان شاید ناگزیر باشد گزینه‌های اصلی خود را بر مذاکره، گفت‌وگو با ایران و سایر کشورهای منطقه و بازگشت به نوعی نظام امنیتی منطقه‌ای مبتنی بر تفاهم قرار دهد».

عربستان سعودی می‌تواند از طریق دیپلماتیک با حوثی‌ها یا حامیان آن‌ها در تهران به دنبال راه‌حل مسالمت‌آمیز باشد، اما حوثی‌ها خواستار لغو محاصره تحت رهبری عربستان شده‌اند؛ اقدامی که به آن‌ها اجازه می‌دهد در بلندمدت بسیار قدرتمندتر شوند.

همچنین به نظر نمی‌رسد که ایران تا زمانی که امتیازات عمده‌ای از آمریکا دریافت نکند، علاقه چندانی به کمک به برقراری ثبات منطقه داشته باشد.

آقای حسینی‌فرد نتیجه می‌گیرد: «ایران نیز باید تغییرات اساسی در سیاست منطقه‌ای خود ایجاد کند. این کشور باید از ایجاد "محور مقاومت" یا برداشت خاص خود از "عمق استراتژیک" دست بکشد و به‌ویژه مسائلی را با آمریکا حل‌وفصل کند. چرا که هرگونه تفاهم منطقه‌ای، بدون حل مسئله تهران و واشینگتن، بعید است بتواند دوام بیاورد و پایدار بماند».

این مطلب بخشی از:

فراتر از خبر

بایگانی

ایران